

چلوکباب یا دانش بنیان؟!

روایتی از حاشیه‌های همایشی که نمی‌خواستیم بروم



کشیدیم و رفتیم سمت سالن برگزاری همایش. وارد سالن که شدم مجری داشت صحبت می‌کرد: «به حمدالله واقعاً مهندس خانچی [۱] و تیمشون دارن شبانه‌روزی فعالیت می‌کنن.» روی صندلی جا خوش نکرده بودم که یکی از دوستان آمد و گفت: «بین توی محوطه ورودی دیدی شرکتای دانش بنیان رو؟»

داستان چیه؟

آقای خانچی مدتی داره روی استفاده از شرکتای دانش بنیان کار می‌کنه تا بتونه از ظرفیتشون توی حل مشکلات استان استفاده کنه. بیا باشون به گپی بزن. به درد تو هم میخوره حرفاشون. شاید بتونی توی مجله، چیزی دربارشون بنویسی.

انگار نشستن به ما نیامده. بلند شدم و برگشتم توی سالن. چند تا میز شکل تدارک دیده شده بود و چند شرکت، کاتالوگ‌ها [۲] و ابزارهایی که ساخته بودند را روی او گذاشته بودند. همه مشغول گپ زدن بودند

شب قبل از چهاردهم تیرماه، حدود ساعت یک شب بود که می‌خواستیم بخوابیم. به عادت هر شب تلفن همراهم را باز کردم که ببینم پیامی دارم یا نه. تبلیغی به دستم رسید که برنامه‌ای به مناسبت روز شهرداری‌ها و دهیاری‌ها تدارک دیده شده. بعد از دیدن تبلیغ این برنامه، صفحه را خاموش کردم. تلفن را گذاشتم کنار و زیر لبم گفتم: «بازم دورهمی مسئولان و تعارف تیکه پاره کردن برای همدیگه. حتماً از صبح تا ظهر هی قریبون صدقه هم میرن و آخرسر به مسئول بالای سرشون میگن آقای دکتر اگه ممکنه برای تخصیص بودجه ۱۴۰۱ ما کاری بکنید. دستمون خالیه و قس علی هذا. تهشم بعد از خوردن به دست چلوکباب میکس درجه یک و به قوطی کوکاکولای نگری از هم خداحافظی میکنن.» فکر نوشابه که افتاد به سرم، ترغیب شدم بروم اما وقتی یادم آمد من خوش‌شانس، هر وقت به طمع چیزی خوشمزهای جایی رفتم، گیرم نیامده؛ باهمان غرغر چگوارایی سرم را بردم زیر پتو و خوابیدم.

صبح برنامه‌ام مشخص بود. آنقدر ننوشته داشتم که تمام شبانه‌روز را بنویسم، بازهم کار مانده روی دستم. هنوز کار را شروع نکرده یکی از دوستان زنگ زد:

بابا پ نرفتی؟

ول کن جان خودت بیکاری؟

آره. خیلی مهمه این جلسه. میام دنبالت باهم بریم.

باشه. اینم به خاطر تو.

خلاصه آمد دنبالم و رفتیم گیت بوستان. ورودی همایش چند نفر ایستاده بودند. من هم که از آن بچه نجیب‌های سربه زیر؛ راهم را



محمد علی بخشی

نویسنده

”

بازم دورهمی مسئولان و تعارف تیکه پاره کردن برای همدیگه. حتماً از صبح تا ظهر هی قریبون صدقه هم میرن